



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه

زنده باد اول ماه مه

روز اعتراض خیابانی و مبارزه مشترک کارگران سراسر جهان

اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری فرا رسیده است. طبقه کارگر جهانی در حالی به استقبال اول ماه مه می‌رود که سرمایه‌داری در مقیاس جهانی، همچنان در چنگال یکی از ژرف‌ترین و همه‌جانبه‌ترین بحران‌های اقتصادی دوران حیات خود گرفتار است. تداوم هشت ساله بحران و بی‌نتیجه ماندن ترفندهای طبقه سرمایه‌دار و دولت‌های پاسدار این طبقه برای حل و برون رفت از آن، نشان بن‌بست، گندیدگی و زوال نظامی‌ست که مدت‌هاست دوران آن به سر آمده است. هیچ راهی برای حل قطعی این بحران در چارچوب نظم موجود وجود ندارد. حل قطعی و نهایی آن، تنها از عهده طبقه کارگر ساخته است. طبقه کارگر، یگانه طبقه‌ای است که می‌تواند و باید با برپایی انقلاب اجتماعی، براندازی نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم، بحران اقتصادی موجود را به شیوه‌ای انقلابی و ریشه‌ای حل کند و تمام کارگران را از شر نظام بردگی مزدی و فجایع آن نجات دهد. پروتکل‌های کشورهای مختلف جهان با برافراشتن پرچم‌های سرخ و راهپیمایی و تظاهرات خیابانی در اول ماه مه، نظام سرمایه‌داری را آماج اعتراضات خویش قرار می‌دهند، قدرت اتحاد و عزم خویش را برای محو نابودی استثمار به نمایش می‌گذارند و فرا رسیدن چنین روزی را بشارت می‌دهند.

طبقه کارگر ایران نیز جدا از پروتکل‌های جهانی نیست و گردانی از این ارتش نیرومند بین‌المللی محسوب می‌شود و مانند تمام هم‌طبقه‌ای‌های خود در سراسر جهان، برای برچیدن نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم مبارزه می‌کند. طبقه کارگر ایران امسال در شرایطی به پیشواز اول ماه مه می‌رود که طبقه سرمایه‌دار، تعرضات بی‌رحمانه خود علیه معیشت و حقوق کارگران را بیش از پیش تشدید نموده است. کابینه حسن روحانی با اجرای گسترده‌تر سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال و تامین کار ارزان و سود حداکثر برای سرمایه‌داران، دشوارترین شرایط کاری و معیشتی را بر طبقه کارگر تحمیل نموده است. صرف‌نظر از محروم ساختن بیش از پیش کارگران از حداقل‌های قانونی در زمینه حقوق کار و تامین اجتماعی و صرف‌نظر از خارج ساختن کارگران مناطق وسیعی از جمله در جنوب کشور از شمول قانون کار، با وضع مقررات جدید و تغییر بندها و تبصره‌هایی از قانون کار، استثمار و بی‌حقوقی کارگران را تشدید نموده است. در حالی که طبق برآورد منابع و رسانه‌های رسمی، حداقل هزینه یک خانوار ۴ نفره کارگری بیش از ۳ میلیون تومان است، شورای عالی کار رژیم حداقل دستمزد ۹۴ را ۷۱۲ هزار تومان تعیین نمود و کارگران ایران را یکبار دیگر، رسماً به زندگی در زیر خط فقر محکوم ساخت. همپای تعرض سرمایه به سطح معیشت طبقه کارگر که خانواده‌های کارگری را به فقر مطلق و گرسنگی و تباهی سوق داده است، فشارهای سیاسی و اقدامات سرکوب‌گرانه علیه کارگران نیز تشدید شده است. افزون بر شکنجه کارگران زندانی، تجدید محاکمه و طولانی‌تر کردن زمان حبس برخی از آن‌ها، دستگاه امنیتی و قضائی رژیم، در ابعاد گسترده‌تری به سرکوب کارگران و اعتصابات کارگری متوسل شده‌اند. ده‌ها کارگر اعتصابی و فعال اعتصاب، به صرف شکایت کارفرما، به دادگاه احضار و محاکمه و زندانی شده‌اند. حراست کنندگان منافع سرمایه، برای زهرچشم گرفتن از کارگران و برای مرعوب ساختن و بازداشتن آن‌ها از اعتراض و اعتصاب، شماری از رهبران اعتراضات و اعتصابات کارگری را به حبس و حنا شلاق محکوم ساخته‌اند.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

به‌رغم تمامی این فشارهای بازدارنده و اقدامات سرکوب‌گرانه برای مرعوب ساختن کارگران و جلوگیری از اعتصابات و اعتلاء جنبش کارگری، طبقه کارگر ایران نه فقط مرعوب استثمارگران و ارگان‌های سرکوب آن‌ها نشد و صحنه مبارزه را ترک نکرد، بلکه بر دامنه اعتصابات گسترش‌یابنده خود افزود و برای دستیابی به مطالبات خود، در اشکال متنوعی دست به اعتراض زد. ارتجاع حاکم بر این خیال واهی بود که با توسل به قهر و تشدید سرکوب، می‌تواند رهبران عملی کارگری را ایزوله و مرعوب سازد و توده کارگران را از روی‌آوری به اعتراض و اعتصاب منصرف سازد. طبقه کارگر اما نه فقط از اعتراض و اعتصاب دست‌نشست و مقهور قهر و سرکوب عریان سرمایه نشد، بلکه فراز‌های جدید درخشانی را در تاریخ مبارزات و اعتصابات کارگری گذرد.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

همه شما می‌دانید که به‌رغم تلاش و فداکاری کارگران و سازماندهی اعتراضات و اعتصابات متعدد و گسترده، اما شوربختانه این اعتراضات و اعتصابات در اغلب موارد به نتایج مطلوب و دل‌خواه منجر نشده است. در غیاب تشکل‌های مستقل کارگری، تشکل‌هایی که قادر به سازماندهی اعتصابات فراکارخانه‌ای و سراسری باشند، اعتصابات پراکنده و جداجدا، در بهترین حالت تنها می‌تواند برخی از مطالبات کارگران را به‌طور موقت بر سرمایه‌دار تحمیل کند. سازمان‌یابی و تشکیلات، ضرورت اجتناب‌ناپذیری‌ست که هیچ کارگری آن را انکار نمی‌کند. کارگران می‌دانند که باید متشکل شوند. می‌دانند که بدون تشکل، شرایط کار و زندگی‌شان باز هم وخیم‌تر خواهد شد. تشکل مستقل کارگری خواست عموم کارگران است. از همین‌روست که بخش‌هایی از کارگران پیشرو به تلاش خود برای ایجاد و احیاء تشکل‌های سندیکائی

علنی ادامه داده‌اند. اما تلاش‌های کارگران آگاه و پیشرو برای تشکیل‌یابی و ایجاد تشکل‌های توده‌ای با سرکوب قهری روبرو شده است. اقدامات پلیسی دستگاه امنیتی و اعمال انواع فشارها علیه معدود سندیکا‌های کارگری مانند سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه و رهبران این دو تشکل برای محدودتر ساختن دامنه فعالیت و از هم پاشاندن آن‌ها پیوسته ادامه داشته و تشدید شده است. قدرت استبدادی حاکم با احضار و محاکمه و حبس و اخراج صدها کارگر مبارزو پیشرو مانع ایجاد و گسترش فعالیت روتین و توده‌ای این‌گونه تشکل‌ها شده است.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

سازمان فدائیان (اقلیت) بر این اعتقاد است که کارگران ایران باید از این آزادی برخوردار باشند که سندیکاها و تشکل‌های مستقل و پایدار خودشان را ایجاد کنند. اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر است و باید به عنوان یک روز تعطیل به رسمیت شناخته شود. کارگران باید از این آزادی برخوردار باشند که در اول ماه مه، مراسم‌های مستقل و آزادانه خود را برگزار نمایند، تجمعات و میتینگ‌های کارگری بر پا کنند و دست به راهپیمایی و تظاهرات خیابانی بزنند. کارگران باید از حق تجمع، تحزب، اعتصاب و آزادی بیان برخوردار باشند. باید نشریات، رسانه‌ها و مطبوعات خودشان را داشته باشند. باید نمایندگان خودشان را داشته باشند و بتوانند در موضوعاتی چون تعیین حداقل دستمزد، تدوین قانون کار و هر جا که پای مسائل کارگری در میان باشد، مداخله و مشارکت داشته باشند. این‌ها همه در زمره مهم‌ترین و در عین حال بدیهی‌ترین حقوق و مطالبات کارگران است. این بدیهی‌ترین مطالبات طبقه کارگر اما قابل تحقق نیست مگر آن‌که کارگران آزادی سیاسی داشته باشند. مادام که رژیم دیکتاتوری و اختناق حاکم است، مادام که طبقه کارگر آزادی‌های سیاسی را به چنگ نیاورده است، موانع عمده بر سر راه تحقق این خواست‌ها و ایجادتشکل‌های توده‌ای مستقل و پایدار طبقه کارگر نیز وجود خواهد داشت.

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

تجربه جنبش کارگری ایران در یک قرن اخیر این واقعیت را به اثبات می‌رساند که طبقه کارگر تنها در مقاطعی که آزادی‌های سیاسی و لونسبی را به چنگ آورده است، تشکل‌های توده‌ای و علنی خود را نیز سازمان داده است. واقعیت دیگری که در همین بازه زمانی و به کرات به اثبات رسیده، این است که بورژوازی ایران تنها به شیوه استبدادیست که می‌تواند حکومت کند، که نظم سرمایه‌داری ایران با استبداد و اختناق عجین است، که سطله طبقه سرمایه‌دار، با دیکتاتوری و خفقان ملازم است و مترادف بی‌حقوقی کارگران است. از این رو، پیش شرط دست‌یابی به آزادی‌های سیاسی، به زیر کشیدن رژیم سیاسی حاکم و به زیر کشیدن طبقه‌ای است که موجودیت و سلطه‌اش با اختناق و دیکتاتوری همراه است. کارگران و زحمتکشان ایران تنها زمانی می‌توانند از شر استبداد و اختناق رها شوند و به آزادی و دموکراسی پایدار دست یابند که جمهوری اسلامی را سرنگون سازند، نظم موجود را براندازند و نظام شورائی خود را مستقر سازند و از طریق شوراها اعمال حاکمیت کنند. تنها در دموکراسی شورائیست که آزادی‌های سیاسی در شکلی وسیع و تضمین شده می‌تواند برقرار گردد چرا که قدرت در دست خود کارگران است و کسی نمی‌تواند آزادی را از آن‌ها سلب کند و مانع تشکل آنان شود.

طبقه کارگر ایران که هر ساله با شور و اشتیاق به استقبال اول ماه مه شتافته است، امسال نیز به‌رغم تمام تهدیدات و تمهیدات گسترده دستگاه پلیسی – امنیتی رژیم، به پیشواز اول ماه مه می‌رود و مصمم است مراسم‌های مستقل خود را هر چه باشکوه‌تر برگزار نماید. در اول ماه مه، کارگران ایران متشکل‌تر، متحدتر و مسنجم‌تر از سال گذشته، علیه تعرضات سرمایه به حقوق، معیشت و دستمزدهای کارگری و برای کسب آزادی‌های سیاسی به صحنه می‌آیند و بار دیگر همبستگی و اتحاد طبقاتی با هم‌زنجیران خود در سراسر جهان را در مبارزه علیه نظم سرمایه و برای نابودی بهره‌مکشی و استثمار فرد از فرد به نمایش می‌گذارند.

پیش به سوی برگزاری هر چه باشکوه‌تر اول ماه مه
زنده باد اول ماه مه روز اتحاد و مبارزه مشترک کارگران سراسر جهان
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی
زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
اردیبهشت سال ۱۳۹۴

کار، نان، آزادی – حکومت شورائی